



زن؛ مربی انسان
خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آن‌ها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آن‌ها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانهای فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زن‌ها نباید گول بخورند؛ زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزرگ کرده بیرون برود با سر باز و لخت! این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز است؛ زن مربی انسان است.^۱

کار زن؛ رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر
روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش‌های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را این‌گونه آفریده. اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است.

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۶، ص: ۳۰۱

مظلومیت زن در دو جایگاه

الف) جایگاه زن در زندگی و جامعه

در مورد مسئله‌ی اول، که جایگاه زن در زندگی و در جامعه است - با هر تعبیری که می‌خواهید مطرح کنید، می‌شود از آن اسم برد - اشکال اینجاست که یک نامعاده‌ای را بتدریج به وجود آورده‌اند؛ یک طرف ذی‌نفع، یک طرف مورد انتفاع؛ بشریت را این‌جوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذی‌نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این به طور آرام، با تدریج، با شیوه‌های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول ده‌ها سال - که شاید به صدسال، صد و پنجاه سال برسد، که من دقیق نمی‌توانم بگویم و این مسئله قابل تحقیق است - در جوامع غربی در درجه‌ی اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده. شأن اجتماعی زن را این‌جوری معرفی کردند، این‌جوری تعریف کردند: زن به‌عنوان یک موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با بانوان نماینده در مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۰/۰۷/۱۴

زن باید جویری باشد که برای طرف ذی نفع و منتفع - یعنی طرف مرد - چشم نواز باشد. به نظر من بزرگ‌ترین ضربه، بزرگ‌ترین اهانت، بزرگ‌ترین حق‌کشی که در زمینه‌ی مسئله‌ی زن انجام گرفته، همین است. در محیط اجتماعی، فرهنگی شکل بگیرد که زن به‌عنوان یک طرفِ مورد انتفاع، برای استفاده‌ی یک طرفِ ذی نفع مطرح شود؛ این متأسفانه امروز در فرهنگ غربی وجود دارد. دیگران هم از آن‌ها تقلید کردند، در راهش کوشش کردند، تلاش کردند و این در دنیا جا افتاده. اگر کسی خلاف این را بگوید، علیه او جنجال می‌کنند. فرض کنیم اگر در یک جامعه‌ای مسئله‌ی آرایش زنان و تبرّج زنان در محیط‌های عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه‌ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در یک جامعه‌ای عریانی زنان مطرح شود - هیچ سروصدائی صدائی در دنیا بلند نمی‌شود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرّج زن، آرایش نکردن زن در جامعه مطرح شود، دستگاه‌های مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند می‌کنند، جنجال می‌کنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که یک فرهنگی، یک سیاستی، یک راهبردی وجود دارد که سالهای متمادی است دنبال می‌شود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند.

لذا شما می‌بینید در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت می‌شود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر می‌کنند، این است که می‌گویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمی‌خواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. حتی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت می‌کنند؛ مشکل اساسی این است.^۱

ب) جایگاه زن در خانواده

مسئله‌ی بعدی - که در قضیه‌ی زن مشکل دومی است - مسئله‌ی خانواده است. نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سيدة بیتها»^۲ بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است. جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم السلام) آمده: «المرأة ریحانة ولیست

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱۳۹۰/۰۳/۰۱

۲. نهج الفصاحه، ص ۶۱۴

بقهرمانه».^۱ در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. می‌فرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گل خانه است. خطاب به مردان می‌فرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. این‌ها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاءالله وجود دارد. ولی در عین حال تحقق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با این بیانات تمام نمی‌شود، حل نمی‌شود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرائی و ضمانت اجرائی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سالهای متمادی گذشته انجام نگرفته است. خانواده‌هایی که متدین بودند، مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندی‌های شرعی داشتند، ملاحظات می‌کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده.^۲

فاطمه زهرا(س)، تمام نسخه‌ی انسانیت

تمام ابعادى که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا(س) - جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانى، یک زن ملکوتى، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتى است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهى جبروتى در صورت یک زن ظاهر شده است... تمام هویتهاى کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد - تمام - در این زن است. و فردا همچو زنى متولد مى‌شود؛ زنى که تمام خاصه‌هاى انبیا در اوست. زنى که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنى که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود. پس، فردا روز زن است؛ تمام حیثیت زن و تمام شخصیت زن فردا موجود شد. معنویات، جلوه‌هاى ملکوتى، جلوه‌هاى الهى، جلوه‌هاى جبروتى، جلوه‌هاى مُلکى و ناسوتى - همه - در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان؛ زنى است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفه است؛ چنانچه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعى نازلترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه زن است و نازلترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوى کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت. برای صدیقه طاهره این مسائل، این معانى حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوى؛ با قدرت الهى، با دست غیبی، با تربیت رسول الله - صلى الله علیه و آله و سلم - مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه‌اى که دست همه از او کوتاه است. پس، فردا تمام جلوه زن تحقق پیدا کرده است؛ و زن به تمام معنا متحقق است. فردا روز زن است.^۱

۱. گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامى با گروهى از جوانان و نوجوانان ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۶
۲. ص ۱۱

لزوم تبعیت بانوان از حضرت زهرا(س)

و شما افتخار کنید که، و همه ما که این روز را «روز زن» قرار داده‌اند و باید که مسئولیتش هم به عهده بگیرید. اگر شما پذیرفتید که روز بیستم جمادی الثانیه که روز تولد حضرت زهراست، پذیرفتید که روز زن باشد، این روز را پذیرفتید، این به عهده شما خیلی مسائل را می‌آورد. اگر یک ملتی پذیرفت که فلان روز، روز جهاد است، این باید در آن روز مشغول مجاهده بشود. اگر کسی مشغول مجاهده نشد، این نپذیرفته است که آن روز، روز جهاد است. اگر یک وقت یک ملتی پذیرفت که امروز روز جنگ است، اگر کسی پذیرفت که روز جنگ است و تخلف کند، بر خلاف وظیفه انسانی خودش عمل کرده. اگر شما زن‌ها هم و زن‌های ما هم همه، کشور ما همه، پذیرفتند که امروز روز زن است؛ یعنی روز تولد حضرت زهرا که آن کمال و آن وضعیت را دارد، پذیرفتید که روز زن است، به عهده شما مسائل بزرگی [خواهد آمد]؛ از قبیل مجاهده، که حضرت مجاهده داشته است، حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است، مخاطبه داشته است با حکومت‌های وقت، محاکمه می‌کرده است حکومت‌های وقت را، شما باید اقتدا به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است؛ یعنی، روز تولد این حضرت روز زن است. زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفاف که او داشته است و همه چیز، شما باید اگر پذیرا شدید، آن‌ها را تبعیت کنید و اگر تبعیت نکردید، بدانید که شما داخل در روز زن نیستید، هر کس نپذیرفت، این در روز زن وارد نشده است و در این شرافت وارد نشده است.^۲

شخصیت جهادی، ممتاز و همه جانبه‌ی زهرای اطهر (سلام الله علیها)

شخصیت زهرای اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته‌ای است؛ به طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه‌ی عظیم جهانی فراموش‌نشده بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختی‌های مبارزه‌ی دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه‌ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگیش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه‌ی زهرا و امیر المؤمنین (علیهما السلام)، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله نبسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته‌ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد.

پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها، اگرچه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق العاده و حقیقتاً بی نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه در آینده - یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است.^۱

فاطمه ی زهرا(س)؛ شخصیتی جامع الاطراف و الگوی زن مسلمان

زندگی فاطمه ی زهرا(س) از همه ی ابعاد، زندگی ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدان های جنگ است؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه ی زهرا(س)، مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می برد؛ فرزندی تربیت می کند مثل حسن و حسین و زینب؛ شوهری را نگهداری می کند مثل علی و رضایت پدری را جلب می کند مثل پیغمبر! راه فتوحات و غنائیم که باز می شود، دختر پیغمبر ذره ای از لذتهای دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زن ها متوجه آن هاست، به خود راه نمی دهد. عبادت فاطمه ی زهرا،(س)، یک عبادت نمونه است.

«حسن بصری» که یکی از عباد و زهاد معروف دنیای اسلام است، درباره ی فاطمه ی زهرا(س) می گوید: به قدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تورمت قدماها»^۱. پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت، ورم کرد! امام حسن مجتبی علیه الصلوة و السلام می گوید: شبی شب جمعه ای مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حتی انفجرت عمود الصبح». تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن، علیه الصلوة و السلام، می گوید طبق روایت شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا اماه!»؛ «مادرم!» «لم لاتدعین لنفسک کما تدعین لغيرک»؛ «یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟!» در جواب فرمود: «یا بنی، الجارثم الله»^۲ «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه ی والا است.

جهاد آن بزرگوار در میدان های مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام؛ در

۱. همان.

دفاع از امامت و ولایت؛ در حمایت از پیغمبر؛ در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام، یعنی امیر المؤمنین که شوهر او بود.

امیر المؤمنین درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (س) فرمود: «ما أغضبتنی و لا خرج من امری». یک بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یک بار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه‌ی زهرا (س) با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن‌گونه که اسلام می‌گوید. در محیط علم هم یک دانشمند والاست. آن خطبه‌ای که فاطمه‌ی زهرا (س) در مسجد مدینه، بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه‌ای است که به گفته‌ی علامه‌ی مجلسی، «بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند!» این قدر پرمغز است! از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است. فاطمه‌ی زهرا (س) می‌رود در مسجد مدینه، در مقابل مردم می‌ایستد و ارتجالاً حرف می‌زند! شاید یک ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات و زبده‌ترین و گزیده‌ترین معانی صحبت کرده است.

لزوم الگوگرفتن از تلاش زینب کبرا(س) برای زنده نگه داشتن روزهای بزرگ
انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن^۲ این روزهای
بزرگ و این حوادث بزرگ؛ کار می‌کنند و تلاش می‌کنند برای اینکه سوابق تعیین‌کننده
و عموماً افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدس و امثال این‌ها، فراموش بشود.
نهم دی را هم می‌خواهند به فراموشی بسپارند. حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم
ستمگران و ظالمان می‌خواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبرا(س) نگذاشت. دو

۱. همان

۲. فراموش کردن

حرکت عمّی ما- زینب کبرا (علیها السلام)- انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اوّل یا دوّم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبانهای حق‌گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرنند؛ همچنان که نتوانسته‌اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اوّل تا دوران‌های طولانی باقی بود؛ یعنی متوکل عبّاسی بعد از حدود صد و هفتاد یا صد و هشتاد سال از حادثه‌ی عاشورا، درصدد برآمد قبر مطهر ابا عبدالله (علیه السلام) را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حالا حالاها باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثت‌های خودشان برای اینکه زیبایی‌های انقلاب از یاد برود ادامه بدهند. دشمن دست بر نمی‌دارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپرنند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه‌ی خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند، دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته‌ی افتخارآمیز خود را نمی‌داند، نمی‌تواند در آینده هم حوادث افتخارآمیز برای خودش درست کند، این تلاش را دشمنان دارند می‌کنند.^۱

لزوم یاد گرفتن ایستادگی از زینب کبری (س)

تقارن هفته‌ی بسیج هم با این ایام که ایام حماسه‌ی بزرگ تاریخ اسلام است، یک اتفاق مطلوب و مغتنم است. منظورمان [از] حماسه‌ی بزرگی که عرض کردیم، حماسه‌ی زینب کبری (س) است که مکمل حماسه‌ی عاشورا است؛ بلکه به یک معنا حماسه‌ای که بی‌بی زینب کبری (س) به وجود آورد، احیاکننده و نگه‌دارنده‌ی حماسه‌ی عاشورا شد. عظمت کار زینب کبری (علیها السلام) را نمی‌شود در مقایسه‌ی با بقیه‌ی حوادث بزرگ تاریخ سنجید؛ باید آن را در مقایسه‌ی با خود حادثه‌ی عاشورا سنجید؛ و انصافاً این دو عدل یکدیگرند. این انسان با عظمت، این بانوی بزرگ اسلام بلکه بشریت، توانست در مقابل کوه سنگین مصائب، قامت خود را استوار و برافراشته نگه‌دارد؛ حتی لرزشی هم در صدای این بانوی بزرگ از این همه حادثه پدید نیامد؛ هم

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی؛ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

در مواجهه‌ی با دشمنان، هم در مواجهه‌ی با مصیبت و حوادث تلخ، مثل یک قلّه‌ی سرافراز استواری ایستاد؛ درس شد، الگو شد، پیشوا شد، پیشرو شد. در بازار کوفه، در حال اسارت، آن خطبه‌ی شگفت‌آور را ایراد کرد: «یا اهل الکوفه یا اهل الختل والغدر تبکون، الا فلا رقات العبرة ولا هدأت الزفرة انما مثلکم کمثل التي نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا» تا آخر؛ لفظ مثل پولاذ محکم، معنا مثل آب روان تا اعماق جانها می‌نشیند. در آن چنان وضعیتی زینب کبری مثل خود امیرالمؤمنین حرف زد؛ تکان داد دلها را، جانها را و تاریخ را؛ این سخن ماند در تاریخ؛ این در مقابل مردم در محمل اسارت. بعد هم، هم در مقابل ابن زیاد در کوفه، هم چند هفته بعد در مقابل یزید در شام، با آن چنان قدرتی سخن گفت که، هم دشمن را تحقیر کرد، هم سختی‌هایی را که دشمن تحمیل کرده بود، تحقیر کرد. شما می‌خواهید خاندان پیغمبر را به خیال باطل خودتان مغلوب کنید، منکوب کنید، ذلیل کنید؟ «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۱. مجسمه‌ی عزت است زینب کبری، همچنان که حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا، در روز عاشورا مجسمه‌ی عزت بود. نگاه او به حوادث با نگاه دیگران فرق دارد؛ [با] آن همه مصیبت، وقتی دشمن می‌خواهد او را شماتت کند، می‌گوید: «ما رأيتُ أَلَا جَمِيلًا»^۲؛ آنچه دیدم زیبا بود؛ شهادت بود، داغ بود، اما در راتاه خدا بود، برای حفظ اسلام بود، ایجاد یک جریانی بود در طول تاریخ تا امت اسلام بفهمند که چه کار باید بکنند، چگونه باید حرکت کنند، چگونه باید بایستند. این کارِ بزرگ حماسه‌ی زینبی است؛ این عزتِ ولی خدا است. زینب کبری از اولیاء الله است؛ عزت او عزت اسلام است؛ اسلام را عزیز کرد، قرآن را عزیز کرد. ما البته آن بلندپروازی را نداریم، آن همت را نداریم که بخواهیم بگوییم رفتار این بانوی بزرگ الگوی ما است؛ ما کوچک‌تر از این حرف‌ها هستیم؛ اما باید به هر حال حرکت ما در جهت حرکت زینبی باشد؛ باید همت ما، عزت اسلام و عزت جامعه‌ی اسلامی و عزت انسان باشد؛ همان که خدای متعال با احکام دینی و شرایع بر پیغمبران، مقرر فرموده است.^۲

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۳؛ لهوف، ص ۱۴۶

حضرت مریم و آسیه (علیهما السلام)

قرآن کریم، وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسان‌های باایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ از میان زنان ذکر می‌کند: «و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأت فرعون»^۱. خدای متعال در اینجا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنة»^۲؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، اینجاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیون‌ها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب می‌شود.

زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «مریم ابنة عمران»^۳. مریم، زنی

۱. سوره‌ی نحریم: آیه‌ی ۱۱
۲. همان.

جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوءظن آلوده‌ی همه‌ی مردم شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه‌ی الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسان‌ها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسان‌ها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آن‌ها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.^۱

حضرت سکینه‌ی کبرا(س)؛ الگویی برای زنان مسلمان

همان «سکینه‌ی کبرایی» که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب است کسانی که اهل تحقیق و کتابند، نگاه کنند او یکی از مشعلهای معرفت عربی در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتی زینب و پدر زینب و پدر سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف می‌کنند که سکینه (علیها سلام) یک مشعل معرفت و دانش است.

رفتن این راه، به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش جهانی و روشن فکری و معلومات و آداب نیست؛ این‌ها ورای آن‌هاست. زن اسلامی، زنی است که راه را درست می‌رود؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است. و چنین زنی عظمت می‌آفریند؛ همچنان که زنان ایران عظمت آفریدند؛ این‌ها تعارف نیست.^۲

زنان الگو

قرآن چهار زن را اسم آورده که این چهار زن الگویند؛ دو الگوی نیکان عالم، دو الگوی بدان عالم. «ضرب الله مثلاً للذين كفروا امراًت نوح وامراًت لوط»؛ زن نوح و زن لوط. «كانتا تحت عبيدين من عبادنا صالحين فخانتاهما»^۱؛ این دو نمونه‌ی زنانه برای مردمان کافر در طول تاریخ هستند. وقتی خدای متعال در قرآن می‌خواهد کفار-نمونه‌ی وجود کفرآمیز و کفران‌کننده‌ی نعمت خدا- را معرفی کند، به جای فرعون و نمرود و افراد دیگر، دو زن را مثال می‌زند؛ زن نوح و زن لوط، که درهای رحمت الهی به روی این‌ها باز و همه‌ی امکانات برای عروج و رفعت این‌ها آماده بود و دو پیغمبر، آن هم پیغمبری مثل نوح و لوط، شوهران این‌ها بودند که در خانه‌ی آن‌ها زندگی می‌کردند و حجت بر آن‌ها تمام بود؛ اما این دو زن قدر این نعمت‌ها را ندانستند و «فخانتاهما»؛ به شوهرهایشان خیانت کردند. این خیانت، لزوماً خیانت جنسی نیست؛ خیانت اعتقادی است؛ خیانت مسلکی است؛ راه را کج کردند. شوهرها با اینکه پیغمبر بودند و مقام عالی داشتند، به درد این زن‌ها نخوردند؛ «فلم يغنيا عنهما من الله شيئاً». خدای متعال رودربایستی و رفاقت و خویشاوندی با کسی ندارد. اگر کسی را مورد محبت و لطف و رحمت قرار می‌دهد، با حساب و کتاب است؛ با تعریف نیست؛ خدا قوم و خویش کسی نیست. این‌ها هم با اینکه شوهرهایشان پیغمبر بودند، این شوهرهای پیغمبر نتوانستند این دو زن را از شر غضب الهی نجات بدهند؛ این‌ها شدند نمونه‌ی کافران همه‌ی تاریخ.

در نقطه‌ی مقابل، باز خدای متعال دو زن را به عنوان نمونه‌ی مؤمنان ذکر می‌کند: «و ضرب الله مثل للذين آمنوا امراًت فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من

۱. همان

۲. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۰

فرعون و عمله^۱؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم: «و مریم ابنت عمران». آن زن اول، قصر فرعونی او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش یافته در بساط فرعونی، کسی که زن فرعون است و لا بد پدر و مادر و خاندانش هم از همین طواغیت بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی می‌کرد؛ اما ایمان موسی دل او را برد و تصرف کرد؛ به موسی ایمان آورد. وقتی ایمان آورد و راه را شناخت، همه‌ی آن راحت و رفاه را کنار گذاشت و دیگر آن قصر با عظمت در مقابل او جاذبه‌ای نداشت؛ گفت: «ربّ ابن لی عندک بیتا فی الجنّة»؛ من خانه‌ی بهشتی را ترجیح می‌دهم؛ زندگی دنیا ارزشی ندارد. حضرت مریم هم: «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنّفخنا فیه من روحنا»^۲؛ دامن خود را پاک و پاکیزه نگهداشت؛ این‌ها ارزش‌های انسانی است.

این چهار زن فقط نمونه و نماد برای زن‌ها نیستند، بلکه نمونه و نماد برای همه‌ی زن‌ها و مردها هستند. آن دو زن با اینکه باب رحمت جلوی آن‌ها باز بود، به آن راه نرفتند و از آن استفاده نکردند؛ به معنویت به خاطر چیزهای پست و حقیر- عواملش را قرآن ذکر نکرده، حتماً چیزی است مانند اخلاق بد و یا یک خصلت بد- پشت کردند؛ یک چیز کوچک این دل‌های ضعیف را به خودش جذب می‌کند و آن‌ها را از راه حق منحرف می‌کند و می‌شوند نماد کفار و انسان ناسپاس در مقابل خدا. اما دو زن دیگر، نماد ارزش‌هایند. او برایش جاذبه‌ی معنویت و جاذبه‌ی سخن حق آن قدر زیاد است که به همه‌ی بساط و دستگاه فرعونی پشت پا می‌زند، این یکی هم پاکیزگی و پاک‌دامنی و وارستگی دارد.^۳

اسلام، مدافع واقعی حقوق زن

اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده؛ آن قدر که به زن خدمت کرده. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده. حالا هم این‌ها دارند از جاهلیت بدتر می‌کنند. آن وقت آن‌ها بی‌اهمیت می‌کردند، حالا ایشان می‌فرماید که زن باید لُعبه باشد! زن باید - نمی‌دانم - چه باشد. یک همچو حرفی که به کرامت زن برمی‌خورد. اعتقاد ایشان درباره زن این است که باید - یک تعبیر سوئی کرده بود - این طوری باشد! اسلام می‌خواهد زن این جوری نباشد. اسلام می‌خواهد زن مثل - همان طوری که مرد همه کارهای اساسی را می‌کند زن هم بکند، اما نه اینکه زن یک چیزی بشود که آقا دلشان می‌خواهد که بَزک کرده بیاید توی جامعه و با مردم چه بشود، مخلوط بشود. با جوانها آن جوری مخلوط! این‌ها را جلو می‌خواهد بگیرد اسلام. می‌خواهد زن را حیثیت و احترامش را حفظ کند؛ می‌خواهد شخصیت به زن بدهد که از این شیئیت بیرون بیاید. این‌ها می‌خواهند بفروشند، از این دست به آن دست کنند؛ این را مخالف است اسلام. با زن مخالف است اسلام؟! اسلام به زن خدمتی کرده است که در تاریخ همچو سابقه‌ای ندارد. اسلام زن را از توی لجنزارها برداشته آورده شخصیت به او داده، اسلام با زن مخالف است؟! این‌ها تبلیغات است. می‌خواهند شما را از اسلام دور کنند و مالتان را بخورند، می‌خواهند شما را از روحانیت کنار بزنند و مالتان را بخورند، می‌خواهند نگذارند فرهنگ شما رشد پیدا کند و اموال زیرزمینی‌تان را بخورند و در اسارت نگهتان دارند تا آخر.^۱

^۱ صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۴، ص: ۴۲۸

✓ عنایت اسلام به زنان

اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد. اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند؛ اسلام آن‌ها را سربلند و سرافراز کرد، اسلام آن‌ها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملتها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زن‌ها نیز انسان ساز. وظیفه زن‌ها انسان سازی است. اگر زن‌های انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحط خواهند شد. زن‌ها هستند که ملتها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند. بانوان از صدر اسلام - در صدر اسلام - با مردان در جنگها هم شرکت داشته‌اند. مقام زن مقام والاست؛ عالی رتبه هستند. بانوان در اسلام بلندپایه هستند. ما می‌بینیم و دیدیم که زن‌ها، بانوان محترمت همدوش مردان بلکه جلو مردان در صف قتال ایستادند. بچه‌های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند، و شجاعانه مقاومت کردند. ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد نه ملعبه باشد؛ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد.^۱

✓ حق زنان در وکالت برای طلاق

زن‌هایی که می‌خواهند ازدواج کنند، از همان اول می‌توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان. می‌توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بدخلقی کرد با زن، وکیل باشند در طلاق، اسلام برای آن‌ها حق قرار داده است. اسلام اگر محدودیتی برای مردان و زنان قایل شده است همه به صلاح خودتان بوده است. تمام قوانین اسلام، چه آن‌هایی که توسعه می‌دهد چه آن‌هایی که تحدید می‌کند، همه بر صلاح خود شماست، برای خود شماست. همان طوری که حق طلاق را با مرد قرار داده است، حق این را قرار داده است که شما در وقت ازدواج شرط کنید با او که اگر چه کردی یا چه کردی، من وکیل باشم در طلاق. و اگر این شرط را کرد دیگر نمی‌تواند

او را معزول کند. اگر این ... شرط در ضمن عقد واقع شد نمی تواند او را دیگر محدود کند، نمی تواند اخلاق بد انجام بدهد. و اگر مردی با زن خودش بد رفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می کنند؛ اگر قبول نکرد تعزیر می کنند، حد می زنند؛ و [باز] اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می دهد. خداوند همه شما را با عزت، سلامت، سعادت، با ایمان کامل، با تربیت صحیح، با فرهنگ صحیح، خداوند همه شما را با سعادت‌ها ... قرین کند. سلام بر شما زن ها، بانوان عزیز محترم!

اسلام، مدافع تمدن و حافظ حقوق مردان و زنان

این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شد، مثلاً دیگر زن‌ها باید بروند توی خانه‌ها بنشینند یک قفل‌ی هم درش بزنند بیرون نیایند! [خنده حضار] این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند. صدر اسلام زن‌ها توی لشکرها هم بودند؛ توی میدان‌های جنگ هم می‌رفتند. اسلام با دانشگاه‌ها مخالف نیست، با فساد دانشگاه‌ها مخالف است؛ با عقب‌نگه داشتن دانشگاه‌ها مخالف است. با دانشگاه استعماری مخالف است اسلام، نه با دانشگاه مخالف است. اسلام با هیچ چیز از این مظاهر- عرض

۱. اشاره به حضرت زینب کبری- (س)- و خطبه معروف او در مجلس یزید بن معاویه.

۲. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۷، ص: ۳۳۸.

می‌کنم - تمدن مخالفت ندارد، و با هیچ قشری از شماها مخالفت ندارد. اسلام زن‌ها را دستشان گرفته آورده در قبال مردها نگه داشته؛ در صورتی که در زمانی که پیغمبر اسلام آمد، زن‌ها را هیچ حساب می‌کردند. اسلام زن‌ها را قدرت داده است. اسلام زن‌ها را در مقابل مردها قرار داده؛ نسبت با آن‌ها تساوی دارند. البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است؛ یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند؛ آزادند در اینکه - عرض می‌کنم - رأی بدهند، رأی بگیرند. آنی که مخالفند، این است که این طوری که این‌ها زن را می‌خواهند بار بیاورند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد، به قول شاه: «زن خوب است فریبا باشد!» ما می‌خواهیم این کلمه را بگیریم، این غلط را بگیریم. ما می‌خواهیم زن آدم باشد مثل سایر آدم‌ها، انسان باشد مثل سایر انسان‌ها، آزاد باشد مثل سایر آزادها.^۱

✓ آزادی زنان در ابعاد مختلف

در مورد ازدواج، اسلام آزادی در انتخاب شوهر را به زن داده است. هر زنی می‌تواند هر شوهری را که مایل باشد اختیار نماید، البته در چهارچوب قوانین اسلام. اسلام با سقط جنین مخالف است و آن را حرام می‌داند. زنان همان طور که قبلاً گفتم می‌توانند در ارتش باشند. آنچه اسلام با آن مخالف است و آن را حرام می‌داند فساد است، چه از طرف زن باشد و چه از طرف مرد فرقی نمی‌کند. این افرادی را که شما به عنوان حقوقدان می‌دانید همیشه زنان ما را گمراه کرده‌اند. امروز زنان آزاده ما زندان‌ها را پر کرده‌اند و این حقوقدانان همیشه پای جنایتهای شاه را امضا کرده‌اند. کدام یک از این دو آزادند و آزاده؟^۲

نگاه اسلام به جنسیت زن یک نگاه درجه‌ی دو

هم در مسئله‌ی خود زن، هم در مسئله‌ی خانواده، اسلام حرف‌های جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «یا ایّها الذین ءامنوا» است، «یا ایّها الذین ءامنن» نیست؛ یعنی صیغه‌ی ءامنوا، صیغه‌ی مردانه است، نه صیغه‌ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالا نمی‌خواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوئیم مردم؛ از مرد میگیریم، نمیگوئیم زنم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه‌ی این نیست که غلبه‌ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگری دارد. بالاخره در

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲۸

۲. بیانات امام خامنه‌ای در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است. بخواهید یک خرده ذوقی‌تر بگوئید، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات می‌شود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همین خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه‌ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌شان، رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم به خاطر همین است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بکوبند: «انَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ». از اسلام تا ذکر، یک فاصله‌ای است. یک سلسله مدارک متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را پیدا می‌کند. «اعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱. همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند. در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، بعد از آن «رَبَّنَا» ها می‌گوید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرْهُ أَوْ آثَرَ مِنْكُمْ مِنْ بَعْضٍ»^۲. مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همین اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا میکشد؛ که یک چنین حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن دیگر پیدا نمی‌کند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطَ»^۳. نمودار کفار، این دو تا زنند: «امْرَأَةُ نُوحٍ وَامْرَأَتُ لُوطَ». نه نمودار برای زن‌ها؛ نه، برای زن و مرد. «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا» تا آخر. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۴؛ خدای متعال اینجا هم برای مؤمنین دو تا زن را اسم می‌آورد. حالا شما ببینید از اول

۱. سوره‌ی احزاب: آیه‌ی ۳۵

۲. سوره‌ی آل عمران: آیه‌ی ۱۹۵

۳. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۰

۴. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۱

تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی میخواهد برای اینها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی می‌کند: یکی «امرات فرعون» - اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجّنی من فرعون و عمله» تا آخر - دوم «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا و صدّقت بکلمات ربّها»^۱ اصلاً چیز عجیبی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمی‌کند. حتی کارهایشان با هم متفاوت است. «جهاد المرأة حسن التّبعّل»^۲ یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن میدهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقی‌هاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرائط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - سَکَن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه‌ای از همان جهاد اکبری است که فرموده‌اند؛ جهاد با نفس است.^۲

✓ **افتخار اسلام به زنان عالم**
در یک جمله باید بگوییم که ما - کسانی که امروز به نام اسلام سخن می‌گوییم و رسالت اسلام را رسالت برتر می‌دانیم - به وجود خانم‌هایی مثل شما افتخار می‌کنیم و این از آنجاست که هر تبلیغ و ادعایی، هرگاه به مرحله‌ی عمل و تحقق نزدیک شد، ارزش واقعی خود را خواهد یافت. ما در مورد مسأله‌ی زن از یک سو و مسئله دانش و تخصص از سوی دیگر و مسأله‌ی خدمت به افراد بشر هم از جانب دیگر، به نام اسلام ادعاهایی داریم. ادعاهای ما، در چارچوب اسلام است.^۴

✓ **عدم تفاوت زن و مرد در تلاش برای پیشرفت جهان**
ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند

۱. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۲

۲. الخصال، ج ۲، ص: ۵۸

۳. بیانات امام خامنه‌ای در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

۴. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفتهای علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.

هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه‌ی اول، فاطمه‌ی زهرا(س) و در درجه‌ی بعد، دیگر زنان بزرگ تاریخ است.

فاطمه‌ی زهرا(س) در قله‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس، فرقی بین زن و مرد نیست و بخصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسان‌های خوب و نمونه‌ی انسان‌های بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند. یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر، همسر نوح و لوط را مثال می‌زند: «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امراة فرعون»^۱. در مقابل هم در مورد انسان بد و نگونسار و کج رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند، به زن نوح و لوط مثال می‌زند.

اینجا، جای سؤال است که مرد هم بود، حالا یکی را از مرد و یکی را از زن مثال می‌زد. نه، در همه‌ی قرآن، وقتی که می‌گوید: «ضرب الله للذین آمنوا» یا «ضرب الله للذین کفروا»، در هر دو مورد از زن مثال می‌زند. آیا این به معنای آن نیست که ما باید از دیدگاه اسلام، به برداشت غلط و متأسفانه مستمر در تاریخ بشریت نسبت به جایگاه زن پاسخی بدهیم؟ اسلام می‌خواهد بایستد و این برداشت و روش و فهم غلط از مسأله‌ی زن را- که در طول تاریخ هم وجود داشته است- تصحیح کند.^۲

نگاه واقع بینانه‌ی اسلام به زن و مرد

اسلام نسبت به زن و مرد و همه‌ی خلائق، یک دید واقع بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچ کس بیش از تمکنش و بیش از آن چیزی که به او داده شده است، توقعی ندارد. اصلاً بنای اسلام بر این است؛ یک بنای واقعی

^۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

^۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۸

و منطقی است. در دعای سحرهای جمعه، فقره‌یی است که بیان می‌کند: «و جعل ما امتن به علی عبادہ فی کفاء لتأدیه حقہ»^۱؛ یعنی آن چیزی که خدای متعال منت گذاشته و به کسی داده، در حد کفایت است، برای اینکه حقوق الهی را ادا کند. اصلاً شناخت واقعیات هرکس، متناسب با همان توقعی است که از او وجود دارد.

پس، اسلام به نیازها و خواہش‌ها و طبایع بشری و غیر بشری اهتمام ورزیده، اصلاً به آن‌ها نظر کرده و حکم الهی را داده است؛ اما به معنای آن نیست که آرمانی برای انسان‌ها ندارد. ما محکوم و اسیر زندان طبیعتیم و در چارچوب قوانین طبیعت حرکت می‌کنیم؛ اما آیا در این چارچوب که ما حرکت می‌کنیم، هدفی در مقابل ما نگذاشته‌اند که بگویند باید به این سمت حرکت بکنید؟

آرمان‌گرایی در اسلام و گرایش به سمت قله‌ها و اوج‌ها و آرمان‌ها، یک چیز قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه‌ی خلائق، باید در این سمت حرکت کند. این، با گرایشهای غلیظ و در لاک چیزهای صد درصد شخصی و بی‌ارزش رفتن نمی‌سازد. البته در نظام اسلامی، بایستی آن‌ها ریشه‌کن بشود. این گرایش به مصرف و تجمل‌گرایی و امثال آن، که در جوامع جاهلی رشد داده می‌شود، باید در جامعه‌ی اسلامی ریشه‌کن می‌شد، یا لااقل در حد متوسطی قرار می‌گرفت و افراطی در آن نمی‌شد؛ اما متأسفانه الآن ملاحظه می‌شود که قشرهایی از مردم، باز سرگرم همان سرگرمی‌های گذشته‌اند، که باب جوامع دور از اسلام و دور از معنویت و حقیقت است. این، غلط است.

آن چیزی که من می‌خواستم عرض بکنم، این است که هر نقصی که در وضع زن در جامعه‌ی ما وجود داشته باشد، علاجی دارد؛ چون اسلام نسبت به زن، دید شامل و کامل و جامعی دارد. باید راه‌های علاج را پیدا کرد.^۲

۱۷ راه حل الهی؛ راه علاج مسئله‌ی زن و مرد

نارسایی‌ها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون در باره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی در این باره چه می‌گوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه‌سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای

۱. مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة، ص ۳۳

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۶/۱۰/۱۳۶۹

متعال می‌خواهد برای انسان‌های مؤمن در طول تاریخ نبوتها در قرآن مثالی بزند، می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا للَّذین آمنوا امرأة فرعون»^۱. در زمان موسی، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می‌آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانب‌داری کند؛ یا نه، مسئله چیز دیگری است؟ مسئله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را می‌شود مثال زد و لاغیر. حالا این قبل از فاطمه‌ی زهرا (س) است؛ این قبل از مریم کبری (س) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده‌ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن، او را به اینجا می‌رساند.

البته نقطه‌ی مقابلش هم هست؛ یعنی در فساد هم اتفاقاً همین است. باز برای اینکه خدای متعال بدترین انسان‌ها را مثال بزند، می‌فرماید: «ضرب الله مثلا للَّذین کفروا امرأة نوح وامرأة لوط»^۲. باز هم دو زن را مثال می‌زند که بدترین انسان‌ها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آن‌ها را مثال نمی‌زند؛ زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند.

این عنایت به جنس زن و توجه به اوج‌های گوناگون و حسیض‌های گوناگون زن، ناشی از چیست؟ شاید از این جهت باشد که قرآن می‌خواهد به نگرش غلط مردم آن روز دنیا که متأسفانه امروز هم همان نگرش غلط باقی است؛ چه مردم جزیره العرب که دخترانشان را زیر خاک می‌کردند، و چه مردم امپراتوریهای بزرگ دنیا، مثل روم و ایران اشاره کند.

پایه‌ی تمدن امروز اروپایی، همان فرهنگ رومی است. یعنی امروز آنچه که بر سرتاپای فرهنگ اروپایی و غربی و به تبع آن‌ها فرهنگ امریکایی و خرده‌ریزهای غرب حاکم است، همان اصول و خطوطی است که در امپراتوری روم وجود داشته؛ همانهاست که امروز ملاک و معیار است. آن زمان هم زنان را به بالاترین مقام می‌رساندند، احترامشان می‌کردند و به آرایشها و زیورها تزیینشان می‌کردند؛ اما برای چه؟ برای اشباع یکی از خاکی‌ترین و مادی‌ترین خصلتهای بشری در مرد! این، چقدر توهین و چقدر تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است!

^۱ سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۱

^۲ سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۰

در ایران هم عیناً همین طور بود. از حرم‌سراهای پادشاهان ساسانی مطالبی شنیده‌اید. حرم‌سراداری یعنی چه؟ حرم‌سراداری یعنی همان اهانت به زن. یک مرد چون قدرت دارد، به خودش حق می‌دهد که هزار نفر زن در حرم‌سرای خودش نگهدارد! اگر همه‌ی ملت آن پادشاه هم همان طور قدرت داشتند، هرکدام به قدر خودش هزار نفر، پانصد نفر، چهارصد نفر یا دویست نفر زن نگه می‌داشتند! این حاکی از چه نگرشی به زن است؟!

آن وقت در چنین دنیایی، پیامبر اکرم دختری تربیت می‌کند که این دختر، شایستگی آن را پیدا می‌کند که پیامبر خدا بیاید دست او را ببوسد! بوسه بر دست فاطمه‌ی زهرا از طرف پیامبر را، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد. این خیلی غلط و خیلی حقیر است اگر ما خیال کنیم که چون دخترش بود و دوستش می‌داشت، دستش را می‌بوسید. مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آن هم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر هست و اتکایش به وحی و الهام الهی است، خم می‌شود و دست دخترش را می‌بوسد؟ نه، این یک چیز دیگر و یک معنای دیگری است؛ این حاکی است که این دختر جوان، این زنی که وقتی از دنیا رفته، بین هجده سال تا بیست و پنج سال سن داشته هجده سال هم گفته‌اند، بیست و پنج سال هم گفته‌اند اصلاً در اوج ملکوت انسانی قرار داشته و یک شخص فوق‌العاده بوده است. این، نگرش اسلام به زن است؛ سراغ این بروید.^۱

✓ اسلام و کرامت زن

اسلام این‌ها را برای زن ارزش نمی‌داند. اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. تکبر از همه‌ی انسان‌ها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. «فلاتخضعن بالقول»^۲؛ در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.^۳

گلی به نام زن

در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ريحانة»؛^۳ زن گل است. این مربوط به میدان‌های سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأة ريحانة وليست بقهرمانة»؛^۴ این چشم و دید خطایینی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه‌ی احساسات و خواسته‌های او بر اساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، مثل مرد بخواهد یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه‌ی احساسات و تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی، بر روی او باز شده است و او، هم به کسب علم

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳/۴/۱۳۸۶.

۲. پیام امام خامنه‌ای به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) ۳/۰۸/۱۳۶۸.

۳. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱، ص ۴۰۵.

۴. همان.

تشویق شده است، هم به حضور در میدان های گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم به مرد گفته اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده روی، اعمال قدرتهای جاهلانه و غیر قانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.^۱

نگاه احترام آمیز اسلام به زن

اسلام برخلاف آن جواری که همیشه در نظامهای طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه می کردند، به زن شخصیت می دهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه می خواهند مشخص بکنند، نمونه ی زن معین می کنند. «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأة فرعون»؛^۲ این نفر اول، «و مریم ابنت عمران»،^۳ نفر دوم؛ نمونه برای للذین آمنوا، دو زن. نمونه برای للذین كفروا هم دو زن: «امرأة نوح وامرأة لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا... فخانتهما».^۴

یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه ای برای زنان، بلکه برای کل جامعه قرار می دهد. می شد یک مرد انتخاب بکنند. نه، این در مقابله ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه، همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده.^۵

نگاه اسلام به زن

در مورد نگاه اسلام به زن بحثهای زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود درگاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است. قرآن وقتی می خواهد برای انسان خوب و انسان بد نمونه ذکر کند، هر دو را از زنان انتخاب می کند: «ضرب الله مثلا للذین كفروا امرأة نوح وامرأة لوط». قرآن دو زن را به عنوان «مثل»، یعنی نمونه و نماد زنان بد معرفی می کند؛ همسر نوح و همسر لوط. بعد نقطه ی مقابل: «و ضرب الله مثلا

۱. بیانات امام خامنه ای در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۳۰ / ۰۶ / ۱۳۷۹

۲. سوره ی تحریم: آیه ی ۱۱

۳. سوره ی تحریم: آیه ی ۱۲

۴. سوره ی تحریم: آیه ی ۱۰

۵. بیانات امام خامنه ای در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور ۲۸ / ۰۷ / ۱۳۸۸

۶. سوره ی تحریم: آیه ی ۱۰

لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ»^۱. به عنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن، دو نفر را معرفی می‌کند: یکی همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است؛ «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»^۲. جالب این است که هر چهارتای این زن‌ها خوبی و بدی شان مربوط به محیط خانواده است. در مورد آن دو زن بد- «امْرَأَةُ نُوحٍ وَامْرَأَةُ لُوطٍ»- می‌فرماید: «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا»^۳؛ این دو زن به همسرانشان- که دو پیغمبر عالی‌شان و عالی‌مقام بودند- خیانت کردند. مسئله، مسئله‌ی خانواده است. موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اولی که زن فرعون است، ارزش و اهمیت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌الله را در آغوش خود پرورش می‌دهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک می‌کند؛ لذا فرعون از او انتقام می‌گیرد. مسئله، مسئله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسائی را تربیت کرده. در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان‌دهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (س) عواملی وجود داشته که می‌توانسته است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عقیف باشد و او توانسته مبارزه کند. بنابراین همه‌اش ناظر به همین جنبه‌های مهمی است که عرض شد؛ جنبه‌ی خانواده و مسئله‌ی شأن زن در جامعه. بنابراین مسئله، مسئله‌ی مهمی است.^۲

✓ موارد ترجیح زن بر مرد در اسلام

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه‌ی فرزند نسبت به مادر سنگین‌تر است.

روایات فراوانی در این زمینه هست؛ پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «من ابر؟»^۴ (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «امّک.» یعنی «به مادرت.» دفعه‌ی دوم هم همین را فرمود؛ دفعه‌ی سوم هم همین را فرمود. دفعه چهارم که سؤال کرد، فرمود: «اباک.» یعنی «به پدرت.» پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه‌ی با فرزندان، حق سنگین‌تری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد. بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمّل می‌کنند.

این هم عدل الهی است. زحمت بیشتر است؛ پس حق هم بیشتر است. ناراحتی بیشتری تحمّل می‌کند؛ پس ارزشش بالاتر است. همه‌ی این‌ها از روی عدالت است. در مسائل مالی، مثل حق خانواده و حق سرپرستی خانواده در مقابل وظیفه‌ی اداره‌ی خانواده، روش اسلام روش متعادل است. قانون اسلامی، در این چیزها هم نگذاشته است که ذره‌ای به زن یا به مرد ظلم شود. حقی برای مرد و حقی هم برای زن قرار داده است. یک وزنه در کفه‌ی مرد قرار داده و یک وزنه هم در کفه‌ی زن قرار داده است.

اسلام؛ طرفدار تکامل بشر بدون نگاه جنسیتی

اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یکجا سخن از مرد گفته می‌شود، یکجا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصّه‌ی پیکره‌ی بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. لذا در قرآن آن وقتی که می‌خواهد راجع به انسان‌های خوب یا انسان‌های بد مثل بزند، از زن مثل می‌آورد: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحَ وَامْرَأَتَ لُوطَ». در مورد کسانی هم که مؤمن هستند، مثال می‌زند؛ «امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۲. در هر دو جا، مثال و نمونه‌ی کامل راه خطا و راه صواب را از زن ذکر می‌کند؛ یکجا هم راجع به مردان سخن می‌گوید.

برای اسلام، جنس زن بودن و مرد بودن مطرح نیست؛ تعالی بشری مطرح است، اخلاق بشری مطرح است، بروز استعدادها مطرح است، انجام وظایفی که به هرکسی یا هر جنسی از جنسهای بشری متوجه است، مطرح است، که برای این باید طبعاً طبیعتها را شناخت. اسلام، طبیعت زن و طبیعت مرد را هم به خوبی می‌شناسد. در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ همچنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیت‌های فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.^۲

✓ لزوم استخراج نظرات اسلام در زمینه‌ی مسئله‌ی زن

در همین زمینه‌ی مسئله‌ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست؛ آیات کریمه‌ی قرآن؛ چه آیاتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند، و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می‌شود، در اختیار ماست؛ این‌ها را باید تثویز کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در بیاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌ی سی ساله‌ای را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شماها هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می‌کنند، زیاد می‌پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می‌خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خب، این‌ها را باید برای آن‌ها فراهم کرد.^۱

✓ کمال مطلوب بشر در مسئله‌ی زن و مرد در گرو عمل کامل به فرامین اسلام

وقتی که به صحنه‌ی تفکرات عالم نگاه می‌کنم و بینش اسلام را مشاهده می‌نمایم، به روشنی درمی‌یابم که جامعه‌ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله‌ی زن و رابطه‌ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن‌ها را ارایه کند. این، ادعای ما نسبت به مسأله‌ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدنهای مادی امروز نسبت به زن عمل می‌شود و وجود دارد، به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و کل جامعه نمی‌شماریم.

اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده‌ی بشری - به عنوان یک عضو - حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه‌ی تعالیم اسلام از جمله مسأله‌ی حجاب، بر این اساس است.^۲

ورود بانوان در امور اجتماعی - سیاسی با حفظ عفت عمومی

و امروز غیر روزهای سابق، امروز غیر زمانهای سابق است. امروز باید خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند، نه مثل سابق که فرض کنید این‌ها یک زنی را هم وارد می‌کردند در مجلس، اما چه زنی بود و چه کار می‌خواست بکند. حالا هم وارد شدند بعضی خانم‌ها در مجلس، این ورود غیر آن ورود است، آن یک ورودی بود، این هم یک ورود. آن‌ها مجالس داشتند، روز زن داشتند؛ روزی که برای کشف حجاب بود. همین سالهای آخر [که] من در قم بودم - شاید همان سال آخری بود که ۱۵ خرداد بعدش پیش آمد - من شنیدم که زن‌ها می‌خواهند بروند سر قبر رضا شاه و راجع به همین قضیه کشف حجاب تظاهرات بکنند. رؤسای اداراتی که در قم بود، پیش من آمدند، گفتم که شما هر کدام به وزارتخانه خودتان اطلاع بدهید که اگر این کار را بکنید من به ملت می‌گویم که عزا بگیرند برای روزی که قتل عام کردید در مسجد گوهرشاد، این‌ها اطلاع دادند و از این منصرف شدند.

در هر صورت آن وضعی که آن‌ها درست کرده بودند درست بر خلاف موازینی بود که ملت ما باید انجام بدهد و زن‌های ما باید انجام بدهند. و حالا بحمد الله آن مسائل گذشته است و باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند.

ملت باید الآن همه‌شان ناظر امور باشند، اظهار نظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند. و من امیدوارم که ان شاء الله این نهضت به پیروزی منتهی باشد و شما ان شاء الله همه‌تان موفق باشید و مؤید و مجالس خود را باز هر چه شکوهمندتر در همه جا توسعه بدهید که زن‌ها بیدار بشوند و آن مسائل سابق [نباشد]، آن ملعبه‌هایی که بود و آن آرایشگاهی که بود، آن مسائلی که شما می‌دانید چقدر به اقتصاد ما صدمه وارد می‌کرد و چقدر به عفت عمومی ضرر می‌رساند. زن‌ها امروز باید همان طوری که مردها - یعنی مردهای درست، نه مردهایی که ... دیدند - در مسائل واردند، آن‌ها در مسائل وارد باشند و تعلیم و تعلم صحیح داشته باشند و دخالت صحیح در امور بکنند و ان شاء الله موفق و مؤید باشند.^۱

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۳، ص: ۱۹۲

فعالیت ارزشمند بانوان در عرصه‌های مختلف

الآن ایران تقریباً یک مدرسه شده است و در هر جای ایران که انسان نگاه می‌کند، بانوان آنجا مشغول فعالیت اسلامی، دینی و حتی فعالیت سیاسی هستند، با حفظ عفافشان، با حفظ شرفشان. آن‌ها در طول این مدت که رها بودند در بین مردم، جز فساد ایجاد نکردند. و این بانوان در این مدت کم، آن قدر فعالیت کردند که شما نمونه‌اش را در قم ملاحظه می‌کنید، و از این نمونه در شهرهای دیگری هم هست. و البته من باید تشکر کنم از اهالی قم و از بانوان معظم قم که در یک همچو اوقاتی که ما گرفتار ابرقدرتها و قدرتهای فاسد هستیم و ایران از هر طرف مورد حمله آن‌ها هستند، شما بانوان در پشت جبهه، آن فعالیت را می‌کنید که آن سلحشوران در جبهه‌ها، و همان طوری که آن‌ها مشغول فعالیت هستند، شما مشغول فعالیت هستید. یک راه، از راه ساختن خود و جوانهای خود و خانم‌های جوان و یک راه، از راه پشتیبانی به آن‌هایی که در جبهه هستند؛ و این یک امری است که بسیار مورد تشکر است و بسیار ارزنده است و در پیش خدای تبارک و تعالی ارزندگی شایان دارد.^۱

سه وظیفه‌ی زن از دیدگاه اسلام

خط مستقیم و صراط مستقیم، همان خط اسلامی است که من به صورت کوتاه آن را تشریح می‌کنم.

در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است.^۲

الف) عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن

اول، عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد می‌تواند به عالی‌ترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی بن ابی طالب علیه‌السلام برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا (س) برسد.

قرآن کریم، وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسان‌های باایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ از میان زنان ذکر می‌کند: «و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأت

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۷، ص: ۳۶۰

۲. بیانات امام خامنه‌ای، د. ۱۰ - ۱۱ - ۱۳۸۱

فرعون^۱. خدای متعال در اینجا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^۲؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، اینجاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیون‌ها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب می‌شود.

زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «مریم ابنة عمران»^۳. مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوءظن آلوده‌ی همه‌ی مردم شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه‌ی الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسان‌ها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسان‌ها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آن‌ها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.

پس، در عرصه‌ی اول - یعنی عرصه‌ی رشد معنوی و تعالی روحی و نفسانی انسان - میان زن و مرد فرقی نیست؛ زن مثل مرد، مرد هم مثل زن هر دو می‌توانند مدارج عالی معنویت و قرب به خدا را طی کنند. لذا در قرآن می‌فرماید: «ان المسلمین و المسلمات المؤمنین و المؤمنات والقانتین و القانتات و الصّادقین و الصّادقات و الصّابرين و الصّابرات و

۱. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۱

۲. همان.

۳. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۲

الْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ^۱. همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». این، صحنه‌ی اول است که در آن، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.^۲

ب) عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی

عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدان‌های زندگی در صحن جامعه. در اینجا هم میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیت‌های متنوع در همه‌ی میدان‌ها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد می‌تواند درس بخواند، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند درس بگوید، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی‌تواند؛ مرد می‌تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی‌تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و برخلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می‌تواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، برحسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می‌تواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.

البته در عرصه‌ی این فعالیت‌ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسئله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا- در خیابان، در اداره، در تجارت‌خانه- داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن

۱. سوره‌ی احزاب: آیه‌ی ۳۵

۲. انات امام خامنه‌ای در اجتماع زنان خوزستان ۲۰/۱۲/۱۳۷۵

و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان باهم و زنان باهم نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیتِ اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن رعایت شود، همه‌ی کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌ی اجتماعی انجام دهند، زنان هم - اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصتش را داشته باشند - می‌توانند انجام دهند.

زنان می‌توانند تحصیلات عالیه کنند. بعضی‌ها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آن‌ها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است. البته محیط تحصیل باید سالم باشد؛ هم برای پسر و هم برای دختر. دانشگاه باید برای فرزندان مردم امنیت داشته باشد؛ چه دختر و چه پسر. کوچه و خیابان باید از لحاظ ناموسی و اخلاقی امنیت داشته باشد؛ چه برای دختران و چه برای پسران؛ فرق نمی‌کند. در صورتی که این امنیت حاصل شود، آن وقت در محیط امن، در کوچه و بازار امن، در دانشگاه امن، در دبیرستان امن که امنیت اخلاقی و فکری تأمین شده است - و مسئولان و پدران و مادران باید آن را تأمین کنند - دختر مسلمان، پسر مسلمان، مرد مسلمان، زن مسلمان می‌توانند فعالیت خودشان را بکنند.

برای اینکه آن اختلاطی که قبلاً گفتم، پیش نیاید و حدود اخلاقی حفظ شود، اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به عربی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه‌ی اول، امنیت از خود زن و در درجه‌ی بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای اینکه محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است و یکی از فوایدش همین است که گفتم. فواید فراوان دیگری هم دارد که در بخش بعد، اگر به یاد آمد و فرصت شد، اشاره‌ای خواهیم کرد.

پس، در عرصه‌ی دوم - که عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی

و فعالیت‌های گوناگون است - زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلئی را که احساس می‌کند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدان‌ها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان، از مسئولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. اینکه می‌فرماید: «من اصبح لا يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم»^۱، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.

بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب فرق نمی‌کند؛ چه اسلام، چه ایمان، چه قنوت، چه خشوع، چه تصدق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخشها یکسانند. فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع، فعالیت کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی، این‌ها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. آن وقتی که در جامعه، هم مرد تحصیل می‌کند و هم زن، جمعیت تحصیل کرده، دو برابر آن زمانی است که فقط مردان تحصیل می‌کنند. آن وقتی که زنان در جامعه تدریس می‌کنند، معلم در جامعه دو برابر تعداد آن وقتی است که فقط مردان تدریس می‌کنند. در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسئولند و همه باید انجام دهند.

دختران مسلمان و زنان مؤمن! این را هم بگوییم: اروپایی که امروز ادعا می‌کند زن در آنجا آزاد است، تا نیم قرن پیش به زن اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرف کند! یعنی مثلاً یک زن اروپایی یا امریکایی، تا پنجاه، شصت سال قبل از این، اگر میلیونها ثروت داشت، خودش حق نداشت که از این ثروت، به میل و اراده‌ی

خودش استفاده کند؛ باید در اختیار شوهر یا پدر و یا برادرش می گذاشت و آن ها هم به میل خودشان از ثروت آن خانم - یا برای او و یا برای خودشان - استفاده می کردند! در اسلام، این طور نیست. در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد، یا راضی نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد - فرقی نمی کند - او می تواند ثروت و مال و اندوخته ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است. در حمایت از استقلال اقتصادی زنان، دنیا سیزده قرن است که از اسلام عقب است. اسلام این را سیزده قرن قبل گفته است؛ ولی در اروپا تازه چهل، پنجاه سال و در بعضی از کشورها کمتر از این مدت است که تازه شروع کرده اند به زن اجازه دهند که در مال و ملک خود، دخل و تصرف کند! اسلام، از این جهت هم جلو است.^۱

✓ (ج) عرصه ی خانواده

بخش سوم - که آن هم بسیار مهم است - بخش خانواده است. به نقش زن در اعتلای معنوی اشاره کردیم و حکم اسلامی هر نوع فعالیت اجتماعی را گفتیم؛ اما در این بخش، نقش زن در خانواده را مطرح می کنیم؛ یعنی زن بعنوان یک همسر یا یک مادر. اینجا واقعاً احکام اسلام به قدری درخشان و افتخارآمیز است که انسان وقتی احکام اسلام را مشاهده می کند، احساس اعتزاز می نماید.^۲

✓ حق زن در انتخاب همسر

زن به عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه ی اسلامی قرار دارد. در درجه ی اوّل، مسأله ی انتخاب همسر است. به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن - خویشاوندان دورتر که جای خود دارند - اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص مورد نظر ازدواج کنی، نمی توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است. ...ملاحظه می کنید که احکام اسلام در انتخاب همسر، از اوّل تشکیل خانواده، در جهت کمک به زنان است. چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدّی می کردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدّی ایستاده است.^۳

۱. بیانات امام خامنه ای در اجتماع زنان خوزستان ۲۰/۱۲/۱۳۷۵

۲. همان.

۳. همان.

زن؛ شریک مرد در خانواده

وقتی که عائله تشکیل می شود، در داخل عائله، از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجه به طبیعت زن و مرد، با توجه به مصالح جامعه ی اسلامی، با توجه به مصالح زن و مرد، این احکام را معین کرده است. مرد فقط در چند مورد - که من یک مورد را تصریح می کنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمی کنم - حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح می کنم، این است که مرد می تواند از خروج زن از خانه بدون اجازه ی خود جلوگیری کند؛ به شرط اینکه در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد می تواند مانع شود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این، حق فقط به شوهر داده شده و حتی به پدر هم داده نشده است. پدر نمی تواند دختر خود را موظف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. پدر چنین حقی ندارد، یا برادر چنین حقی نسبت به خواهر ندارد؛ اما شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه ی عقد، زنان می توانند شروطی را به عنوان شرط عقد ازدواج ذکر کنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند.^۱

✓ ابعاد نگاه اسلام درباره‌ی زن

خواهش می‌کنم دختران جوان و تحصیل کرده و بانوان آگاه و هوشمند به نکته‌ای که می‌خواهم بگویم، درست توجه کنند: زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به او آشکار شود.

الف) بعد معنوی زن

یکی نقش زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است که در این دیدگاه، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند. در قرآن، وقتی خدای متعال می‌خواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال می‌زند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ».^۱ زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته‌ای که نظیر او در میان انسان‌های آن روز هم نبود یا کمیاب بود، حضور دارد. این، از دیدگاه اول.^۲

۱. سوره‌ی ممتحنه: آیه‌ی ۱۲

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۳۰ / ۰۶ / ۱۳۷۹

۳. سوره‌ی تحریم: آیه‌ی ۱۱

۴. ...

ب) بعد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی

دیدگاه دوم، در زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی بازدارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آن‌ها هرچه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدّس، مانع نیست. البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریف‌تر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ چنان‌که منع هم نمی‌کند. البته از امام علی بن ابی طالب علیه الصّلاة و السّلام نقل است که فرمود: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۱ یعنی زن گل است، قهرمانه نیست. «قهرمان» یعنی پیشکار و خدمتگزار آبرومند. خطاب به مردان می‌گوید که زنان در خانه‌های شما مثل گلی لطیفند که باید نسبت به آن‌ها با کمال ظرافت و دقّت رفتار کرد. زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می‌کنید کارهای سنگین را باید به او محوّل کرد. این، مسأله‌ی مهمّی است.

... اینکه بعضی مردان وقتی می‌خواهند ازدواج کنند، شرط قائل می‌شوند که زن باید حتماً کار کند و شغل و درآمدی داشته باشد، خطاست. گرچه خلاف شرع نیست، اما اسلام به چنین کاری هم توصیه نمی‌کند. اینکه ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم»، به استنادِ نظرِ اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است. اما از آن طرف، این را هم که زن را مجبور به انجام کارهای سنگین و تلاشهای دشوار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کنند، اسلام توصیه نکرده است. نظر اسلام، یک نظر میانه است. یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه‌داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد. اما اینکه او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه‌ی خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه. این را هم اسلام از زن نخواست است. این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد.

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱، ص ۴۰۵

پس، به طور خلاصه، در دیدگاه دوم، نظر اسلام این است که در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. اگر خانم‌ها می‌خواهند وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیت‌ها ترجیح دارد.^۱

ج) بعد خانوادگی زن

دیدگاه سوم، نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد. عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هرکس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هرکدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژگی خودشان است. آن‌ها اگر از خُلُقِیات و ویژگی خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اگر زن هم زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه‌ی یک در، دو چشم در چهره‌ی انسان، دو سنگ‌نشین در جبهه‌ی نبرد زندگی و دو کاسِ شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هرکدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصلتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژگی خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار و مهربان و بابرکت و پرفایده خواهند داشت.^۲

حجاب اسلامی حافظ ارزش‌های زن

و البته باید توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ آن ارزش‌های شماسست. هر چه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که، آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطنانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند این‌ها، این ارزش‌ها زنده بشود. و خداوند به همه ما توفیق بدهد که خدمت کنیم به این ملت و اسلام.^۱

هدف از حجاب برای زنان در اسلام

مسئله‌ی حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشتش کاملاً غلط و انحرافی است. مسئله‌ی حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - بخصوص به ضرر زن - است.

حجاب، به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی نیست؛ دلیل عینیش هم شما هستید. شاید عده‌ای تعجب می‌کردند و هنوز هم تعجب کنند که خانمی در سطح بالای علمی در هر رشته‌ای وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی و از جمله با مسئله‌ی حجاب منطبق کند. این، برای بعضی باورنکردنی بود و نمی‌توانستند تصورش را بکنند.

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۹، ص: ۱۸۴

اجتماعی دارد. آن کسانی که قضایای کشور عزیز ما و نظام جمهوری اسلامی را تحلیل می‌کنند، وقتی این اجتماع عظیم، این اراده‌های استوار، این آگاهی و این شور و شوق را از شما مشاهده می‌کنند، نسبت به ایران بزرگ و ملت عظیم الشان ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، احساس تعظیم و ستایش خواهند کرد.^۱

شکست انقلاب در صورت نپیوستن زن‌ها به انقلاب

بعد انقلاب اسلامی پیش آمد و زن در جامعه ما به معنای حقیقی کلمه گُل کرد. اینکه امام بارها در باره نقش زن در انقلاب فرمودند و دیگران هم گفته اند، تعارف نیست؛ واقعا اگر زن‌ها به انقلاب نمی پیوستند، بدون شک این انقلاب اتفاق نمی افتاد. اگر فرض کنیم مردان یک جامعه به نهضتی گرایش پیدا کنند و زنان مخالف آن باشند؛ بعد صورت عکس مسأله را ملاحظه کنیم. زنان یک جامعه به نهضتی عقیده داشته باشند، اما مردها بی اعتقاد باشند. چنانچه تأثیر این طرفداری را در پیشرفت نهضت اندازه گیری کنیم، به نظر من درجه دومی بالاتر است؛ یعنی اگر جامعه زنان به حرکت و نهضتی معتقد بودند، این می تواند به پیشرفت آن حرکت کمک کند؛ و این در جمهوری اسلامی اتفاق افتاد. مردانی بودند که در خانه ها نشسته بودند، اما زن‌ها این‌ها را برای نهضت از خانه ها بیرون فرستادند. مردان فراوانی بودند که اگر زنانشان مخالف بودند، اراده های آن‌ها متزلزل می شد؛ اما زن‌ها اراده آن‌ها را مستحکم کردند. بنابراین تأثیر مجموعه زنان در انقلاب و بعد از انقلاب و در جنگ و مقاطع دیگر، بدون تردید تعیین کننده بود. زن به وسط میدان آمد. نتیجه همان حضور است که شما امروز می بینید در آزمون کنکور. به قول شما. شصت و چند درصد، دختران پذیرفته شده اند؛ این یک چیز معمولی و ناگهان پدید آمده نیست؛ همان حرکت حیات بخش انقلاب و خونی که جوشید و در رگ جامعه زنان به حرکت در آمد، به این چیزها و به خیلی چیزهای دیگر و به فهم سیاسی شما. که در مسایل سیاسی، درک خوب، دقیق و در مواردی، خیلی روشن دارید. منتهی می شود. بنابراین سطح فکر جامعه زنان بالا آمد. الان ما می خواهیم این راه را ادامه بدهیم.^۲

پیروزی انقلاب مرهون حضور مشکل‌گشای زنان

اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد؛ یا اصلاً پیروز نمی‌شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همین‌طور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همین‌گونه بوده است.^۱

نقش و سهم بانوان در دوران‌های مختلف انقلاب

نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق‌العاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شاید جوانهای عزیزی که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند یا در دوران انقلاب نبودند، نمیدانند آنجا چه اتفاقی افتاد، جز از طریق گزارشهایی که همه‌اش هم متأسفانه ناقص است. همه‌ی گزارشهایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب بیرون آمده، گزارشهای ناقص و یکجانبه و کوتاه است. یک کار بزرگی هم در این زمینه داریم، که اگرچه جزو اندیشه‌های راهبردی نیست، اما جزو کارهای راهبردی است و ان شاء الله باید دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات این‌جور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران سرعت پدید آمده‌ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت؛ حتی «اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت»^۲ اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضی‌ها جنگ را از تلویزیون و رادیو و این‌ها میشنفتند، بعضی‌ها با جسم و جان و تن خودشان توی میدان جنگ بودند. این گزارشهای پر از حماسه و شور که از جنگ داده می‌شود، همه‌اش هم درست است - من چون خیلی از این کتاب‌های مربوط به

۱. بیانات امام خامنه‌ای در همایش بزرگ خاوران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۳۰/۷/۱۳۷۶

۲. سوره‌ی نوبه: آیه‌ی ۱۱۸

خاطرات رزمندگان را میخوانم، میدانم همه ی این ها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم بیم از مرگ و این ها، همه اش همینی است که توی گزارشها هست و درست است؛ لیکن نگاه کلان به جنگ، یک نگاه کاملاً محنت بار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد میجنگد، او که نمیداند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعه ی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعفهایی هست، چه نگرانی ها و دغدغه های جدی ای هست؛ و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهایی، چه دلهره هایی وجود دارد. دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق العاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشتیبانی اش را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - یک نقش فوق العاده بود. زن ها حتی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ همین نوشته ی خانم حسینی - دا - این را نشان میدهد. این ها یک مجموعه ی کاری است که واقعاً با هیچ معیاری، با هیچ ترازویی قابل اندازه گیری نیست.^۱

نقش زنان در خط مقدم انقلاب

انقلاب ما، همه ی این تصورات باطل را تخطئه کرد و دیدیم که خانم ها، سربازان خط مقدم انقلاب بودند و این به معنای واقعی کلمه است و من به عنوان یک مبالغه نمی گویم. ما در جریان انقلاب شاهد بودیم که زن در کشور ما، سرباز خط مقدم انقلاب شد. اگر زن ها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی پذیرفتند و به آن باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی شد. من به این معنا اعتقاد دارم. اولاً، اگر آن ها نبودند، نیمی از گروه انقلابیون مستقیماً در میدان نبودند. ثانیاً، به طور غیر مستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و محیط خانه - که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است - اثر می گذاشتند. این حضور آن ها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد.

در میدان های سیاسی نیز، ما خانم هایی را دیده ایم و می بینیم که دارای قدرت تحلیل و سخنوری هستند و برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی آماده اند. البته

۱. بیانات امام خامنه ای در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

این کار باز هم رو به گسترش است و باید پیش برود. در زمینه‌های علمی هم که خود شما مصداق و نمونه‌اش هستید و از قبیل شما در رشته‌های مختلف وجود دارند.^۱

نقش مهم زنان در تحولات اجتماعی

من به شما عرض کنم، اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناکترین میدان‌ها و جبهه‌ها آماده می‌کنند و تشجیع می‌کنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمی‌داشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمی‌شدیم. زن‌ها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران این‌ها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوان‌ها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق می‌کرد؛ و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان. و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زن‌ها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آن‌ها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.^۲

حضور زنده و نیرومند بانوان در همه‌ی مراحل انقلاب

حضور خانم‌ها در همه‌ی مراحل انقلاب، حضوری زنده و نیرومند و قوی بود و توانستند بارهای سنگین را تحمل کنند و مصیبت‌های بزرگ را از سر بگذرانند. در طول

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸ / ۱۰ / ۲۶

۲. بیانات امام خامنه‌ای شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۱ / ۰۴ / ۲۱

تاریخ اسلام، مانند زن‌های ما، نادر و کمیاب بوده است. یقیناً اگر پشتیبانی و حمایت بانوان کشورمان نمی‌بود، در دوران جنگ و پیش از آن در همه‌ی مراحل انقلاب، این پیروزیها به دست نمی‌آمد.

چقدر مادران و همسران و خواهران شهدا و سایر بازماندگان آن‌ها در دوران جنگ و قبل از آن استقامت و ثبات از خود نشان دادند که گاهی موجب تعجب انسان می‌شود؛ زیرا نمونه‌ی آن را در تاریخ اسلام کم می‌بینم. در مراحل دیگر هم حضور خواهران، حضور نیرومندی بود. در بسیج و نهادهای انقلابی دیگر، خواهرانی را می‌شناسیم که وظایف سنگینی را بر عهده دارند و مشغول کار هستند.

زنان کشور ما در طول مدت انقلاب، پشتوانه‌ی حرکت مردها بودند. اگر احساسات و ایمان قوی زن‌ها نبود، شاید بسیاری از مردهای ما این قدرت را پیدا نمی‌کردند که در میدان‌های سخت مبارزات گوناگون حضور داشته باشند. امروز هم همان مسئولیت بردوش خانم‌هاست.^۱

تأثیرگذارتر بودن نقش زنان در مبارزات و مجاهدات انقلاب

من اینجا در جمع شما بانوان عزیز و خواهران و فرزندان خودم، عرض می‌کنم که نقش اجتماعات زنان در پیروزی انقلاب، به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیشتر بود. یعنی حضور زنان در مبارزات عمومی و سیاسی، یک نقش چندگانه داشت. مرد یک نفر بود و خودش می‌آمد در مبارزات یا در اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها شرکت می‌کرد. همین و بس! اما وقتی زن خانه، خود را در مبارزه سهیم می‌دانست و وارد میدان می‌شد، در واقع خانه‌ای را که در آن، مرد و زن و فرزندان هستند، به صحنه می‌آورد و خانواده‌ای را در میدان مبارزه حاضر می‌کرد. در جنگ نیز همین طور بود. یعنی اگر خانواده‌های شهدا- مادران و همسران- صبر نمی‌کردند، جنگ دچار مشکلات بسیار بزرگی می‌شد. در آن مقطع، نقش زنان، بسیار برجسته بود. انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. زن، وقتی باسواد باشد و از آگاهی سیاسی برخوردار شود، کسی نمی‌تواند به آسانی به او زور بگوید و حقش را پایمال کند. این‌ها غنیمتهایی بود که در انقلاب برای زنان پیش آمد. این، نکته‌ی اول.^۲

۱. سخنرانی امام خامنه‌ای در مراسم بیعت گروه کثیری از خواهران شهرهای مختلف کشور ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۱۵

۲. بیانات امام خامنه‌ای در جمع خواهران ارومیه ۱۳۷۵ / ۰۶ / ۲۸

فعالیت بانوان در عرصه‌های مختلف

بحمد الله این روز مبارک که روز معظّم زن است، خانم‌ها و بانوان ایران قدمهای بزرگی در راه اسلام و در راه نجات خودشان از قیدهایی که بسته بودند به دست و پای آن‌ها، نجات یافتند. و من این روز مبارک را به همه بانوان و خصوصاً حاضرین تبریک عرض می‌کنم. و امیدوارم که همان طوری که شما خانم‌ها در همه اموری که مربوط به پیشرفت اسلام در قبل از این انقلاب و در زمان انقلاب و بعد از انقلاب داشتید، به همین نحو خداوند توفیق بدهد به شما که با تعهد باقی باشید و خدمت کنید به این کشوری که در زیر ستم ستمکاران پایمال شده بود؛ حقوق شما پایمال شده بود و حقوق همه. ماها را می‌خواستند که از [نقشه] جغرافیا خارج کنند، و می‌خواستند که جوانهای ما را به فسادها بکشند، و خانم‌های ما را بر خلاف آن مشی‌ای که باید بکنند، بکشانند. خدای تبارک و تعالی به همه ما منت گذاشت و توفیق داد که تا کنون در این راه موفق بودیم و موفق شدیم.

و ما بسیاری از موفقیتها را مرهون خدمت‌های شما بانوان می‌دانیم. شما هستید که علاوه بر آنکه خودتان فعالیت می‌کنید، فعالیت را در مردها مضاعف^۱ می‌کنید. و شما بودید که در زمان طاغوت تحت رنج و شکنجه روحی واقع شدید و بحمد الله با قدرت خودتان و تعهد خودتان آن قدرت شیطانی غرا [را] از صفحه روزگار بیرون کردید و نگذاشتید که آن خیالهایی که آن‌ها در سر خودشان و در خاطر خودشان پخته بودند، آن خیالها به نتیجه برسد. و خدا می‌داند که اگر نبود این نهضت، و نبود کوشش ملت ایران از زن و مرد و جوان و پیر و بزرگ و کوچک، این ملت همه چیزش را از دست داده بود و می‌داد. و شما بحمد الله زحمت کشیدید، رنج بردید و در همه مراحل پایداری کردید، و بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند، چه فعالیت‌های فرهنگی و چه فعالیت‌های اقتصادی، که قشر کثیری از آن‌ها در کشاورزی دخالت دارند، و قشر کثیری از آن‌ها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر. و همه این‌ها پیش خدای تبارک و تعالی مشکور است، و شماها مورد عنایت حق تعالی ان شاء الله هستید، و مادامی که به این تعهد باقی باشید، خدای تبارک و تعالی شما را نصرت می‌کند.^۲

مسائل اصلی زنان

الف) مسئله‌ی سلامت و امنیت و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده پرداختن به مسئله‌ی خانواده و به خصوص مسئله‌ی سلامت و امنیت و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده، یکی از مسائل اصلی است. ما چند مسئله‌ی اصلی داریم، یکی از آن‌ها این است.

نگاه کنید ببینید عوامل سلب آرامش و سکینه‌ی روحی زن در خانواده چه چیزهایی است؟ دنبال این باشید که با قانون، با روشهای تبلیغی، با روشها و شیوه‌های گوناگون، این‌ها را برطرف کنید. این، اساس قضیه است. زن در خانه مایه‌ی آرامش است؛ مایه‌ی آرامش مرد، و مایه‌ی آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمی‌تواند کدبانو باشد؛ نمی‌تواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی‌که زن، مدیر خانواده است. این مسئله‌ی اصلی است. این یکی از آن اصلی‌ترین مسائل است، که خب در محیط زندگی ما- چه محیطهای قدیمی ما، چه محیطهای جدید ما- چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد.^۱

ب) مسئله‌ی کار زن در خانه

تصور از زن در خانه، تصور یک موجود درجه‌ی دویی [است] که موظف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصور بین خیلی‌ها هست- حالا بعضی‌ها به زبان می‌آورند، به رو می‌آورند، بعضی‌ها هم به رو نمی‌آورند، اما در دلشان این است- این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. من مکرر عرض کرده‌ام این حدیث معروف را که «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۲؛ قهرمان، در تعبیرات رایج عربی، به آن کارگزار می‌گویند؛ مثل «امْرَأَةٌ قَهْرْمَانَةٌ بِكَذَا»؛ مثلاً فلان صاحب ملک و املاک فراوان به قهرمان خودش، یعنی آن کسی که کارگزار امور این املاک است،

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱.

گفت؛ به این می‌گویند «قهرمان». در این حدیث می‌گوید: خیال نکن زن کارگزار تو داخل خانه است که باید کارهای خانه را [انجام دهد]؛ این جوری نیست. خب ببینید، این خودش یک فصلی است که از آن چندین فصل گشوده می‌شود: مسئله‌ی احترام کارزن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل خریداری شدن این کاری یعنی قابل مبادله‌ی با پول؛ این است. این‌ها چیزهایی است که خب در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ همان‌طور که اشاره کردند ایشان، واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی می‌گیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش می‌کنند، یک چیزهایی را هم به‌خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه‌ی غربی از این رو به آن رو می‌کنند؛ این را هم دیده‌ایم ما.

بعضی‌ها برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از حقایق احکام اسلامی را، واضح‌ات احکام اسلامی را عوض می‌کنند. قرآن می‌فرماید: *وَإِنْ تَطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ*^۱؛ دنباله‌رو فکر رایج در دنیای جهل و خرافه نباید بود؛ فکر اسلامی را باید پیدا کرد، دنبال آن باید رفت، ولو حالا یک عده‌ای بد بگویند. این هم یک مسئله است؛ بنابراین مسئله‌ی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئله‌ی اصلی، یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است؛ امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه‌داری برای بروز استعدادها؛ [چیزی] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود- [برای] کسی که اهل این چیزها است- میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است.^۲

نیستیم؛ بنده خودم نه با اشتغالشان، نه با مدیریت هاشان مخالفتی ندارم، مادامی که با آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند؛ اگر معارضه پیدا کرد، آن مقدم است.^۱

✓ ضرورت متناسب بودن شغل و رشته‌ی تحصیلی زنان با ساخت زن

یکی از کارهایی که در این زمینه‌ی سوم^۲ که عرض کردیم باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست. بعضی از مشاغل هست متناسب با ساخت زن نیست، خب این‌ها را دنبال نکنند. یکی از کارها این است که آن تحصیلاتی را که به آن مشاغل منتهی می‌شود، برزن تحمیل نکنند.

این بحث دانشگاه و تحصیلات و مانند این‌ها که باز بعضی‌ها جنجال می‌کنند که در تحصیلات تبعیض است، این تبعیض همه جا بد نیست. تبعیض آنجایی که ضد عدالت باشد بد است. و الا فرض کنید وقتی که شما در یک تیم فوتبال، یکی را می‌گذارید مهاجم، یکی را می‌گذارید مدافع، یکی را می‌گذارید دروازه‌بان، خب این تبعیض است دیگر. اگر آن کسی که باید در خط دفاع و ایستد، گذاشتند مهاجم، خب تیم خواهد باخت. آن کسی که باید مهاجم باشد اگر گذاشتند دروازه‌بان که بلد نیست این کار را، خب تیم می‌بازد. این تبعیض است، [اما] این تبعیض، عین عدالت است؛ یکی را اینجا می‌گذارند، یکی را آنجا می‌گذارند، یکی را آنجا می‌گمارند. [پس باید] ببینیم با توجه به آن اهداف بلند چه درسی برای بانوان مناسب است، آن درس را در اختیارشان قرار بدهیم؛ نه اینکه مجبورش کنیم که شما چون در کنکور این جوری شرکت کردی، و این جوری نمره آوردی، حتماً باید بروی فلان درس را بخوانی، که این درس نه با طبیعت زنانه‌ی او سازگار است، نه با اهداف عالی او سازگار است، نه شغلی که به دنبال این درس به او داده می‌شود، متناسب با او است. این چیزها را به نظر من در زمینه‌ی اشتغال زنان باید در نظر گرفت. و خلاصه این را که زن نتواند همه‌ی مشاغلی را که مرد

۱. همان.

۲. بازشناسی مسائل اصلی زنان از فرعی.

✓ لزوم تناسب داشتن شغل زنان با ویژگیهای آنها

زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آنها هرچه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدس، مانع نیست. البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریف‌تر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ چنان‌که منع هم نمی‌کند. البته از امام علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام نقل است که فرمود: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ».^۲ یعنی زن گل است، قهرمانه نیست. «قهرمان» یعنی پیشکار و خدمتگزار آبرومند. خطاب به مردان می‌گوید که زنان در خانه‌های شما مثل گلی لطیفند که باید نسبت به آنها با کمال ظرافت و دقت رفتار کرد. زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می‌کنید کارهای سنگین را باید به او محول کرد. این، مسأله‌ی مهمی است.^۳